

# دارالحدیقه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تأسیس از تأسیس مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۶۸ هجری قمری، لفظ مدرسه به‌امکانی که طلاب علوم دینی در آن‌ها به تحصیل اشتغال داشتند اطلاق می‌شد و عبارت بود از حیاطی بزرگ با ساختمان‌هایی یک‌پارچه که اکثراً نیز ضمیمه‌ای یکی از مساجد بود و چندایوان داشت که محل برگزاری جلسات درس و بحث محسوب می‌شد و نیز حجراتی که طلاب در آن‌ها سکونت داشتند و معلمین چنین مدارسی نیز "مدرس" نامیده می‌شدند و صرف و نحو فارسی و عربی، فقه، اصول، بیان، معانی، حکمت و شرعیات جز و مسابلی بود که تدریس می‌شد. برای

تأسیس  
فخستین مدارس  
جدید در ایران

دانش آموختگان اینگونه مدارس، انتهای تحصیلات زمانی بود که "مدرس" کمال معلومات ایشان را تصدیق می کرد و مجتهد یافقیه وقت به تدقیق و تعمیق و آزمایش آنان می پرداخت و ورقه ی اجتهاد به آنان می داد و از جانب خود در مسایل شرعی، دادن حکم و فرمان، قبول الهی نظیر خمس و زکات و سهم امام و رد مظالم ... به آنان وکالت می داد.

زیر بنای آموزش طلاب

طلاب اینگونه مدارس، معمولا فارغ التحصیلان مکتب خانه ها بودند و در اماکنی که به "مکتبخانه" شهرت داشت هر کودکی در صورت تمایل خانواده اش می توانست به تحصیل بپردازد اینگونه مکتب خانه ها به دودسته عمومی و خصوصی تقسیم میشد و هر یک از آنها نیز وضعیت، شیوه ی تدریس و شهرپه ی خاصی داشت. دسته ی اول مکتب خانه ها مختص فرزندان اعیان و اشراف و رجال کشوری و لشکری بود که ماهیانه ده قران هم شهریه می گرفتند و دسته ی دوم مکتب خانه های عمومی بود که تقریبا "فرزندان تمام خانواده ها حق تحصیل در آنها را داشتند و به نسبت معروفیت و شهرتشان از ماهی پنج قران تا دو قران شهریه دریافت می داشتند و مکتب دارها که معمولا "آخوند یا ملای محله نیز بودند بعد از آموختن الفبا و مختصری عمه جزء به کودکان آنان را برای خوشنویسی تعلیم میدادند و در سالهای بعد ابتدا جامع المقدمات را که خود شامل چندین کتاب بود و نیز شرح سیوطی، الفیه، شرح نظام شرح حامی (در صرف و نحو) حاشیه ی ملا عبدالله، شرح شمسیه (در منطق) و بالاخره گلستان و بوستان سعدی، ناسخ التواریخ و خمسه ی نظامی

را تدریس میکردند و افزون بر اینهمه، مکتب دار خود را ملزم میدانست شاگردان و محصلان را با معارف دینی و مذهبی نیز آشنا سازد و به همین جهت همه روزه مسائل دینی از اصول و فروع - دین گرفته تا طهارت، نجاست، وضو، نماز، مقدمات و... را با دانش آموزان در میان می گذاشت و هر روز عصر و بعد از اتمام درس آنان را تشویق به وضو گرفتن و اقامه ی نماز به طور اجماع میکرد.

مکتب خانه معمولا "بخشی از خانه ی مکتب دار بود که در بیشتر موارد زیرزمینی نیز داشت که معلم مکتب خانه برای تنبیه کودکان تنبل و بازیگوش از آن استفاده میکرد و کودکانی را که حاضر نمیشدند در شان را کامل حفظ کنند یا بی نظم بودند و مرتکب کارهای خلاف ادب و اخلاق میشدند به نسبت شدت جرمشان مدتی در این زیرزمین که در عرف مکتب داری و نیز نزد دانش آموزان و اولیایشان به "سیاهچال" شهرت داشت حبس می کرد.

اثاثیه ی اتاق مکتب یا در واقع همان کلاس درس از یک دست نمد بایک میانفرش قالی و گاهی حصیر و بوریا تجاوز نمی کرد و در بالای اتاق جایی برای نشستن ملا وجود داشت که مفروش با یک تخته پوست یا پتو بود و میز کوچکی نیز در جلوی ملا قرار میگرفت و جز این، بنا به روایت "جعفر شهری" که خود از آموزش دیدگان مکتب خانه های قدیم است: پهلوی دست مکتب دار همیشه دو ترکه وجود داشت. یکی کوتاه برای بچه هایی که پای میز بودند و دیگری بلند که برای تنبیه بچه های دور از دسترس به کار میرفت و چوب و فلک و کتک جزء لاینفک تعلیم و تربیت بود که در هیچ صورتی تعدیل و تعطیل

نمیشد و معمولاً " وقتی دانش آموز تنبلی میکرد و درس و مشقش را به موقع انجام نمیداد او را روی زمین خوابانده و پایش را در تسمه‌ی فلک قرار داده و بعد از آنکه دو نفر دیگر از شاگردان

وقت قرآن زیر گوش، وقت فوائد بامیه صبحها ریگ زیر گوش ظهر به بعد ترکه و چک بامیه چار و توسری شش، کف دستی پانزده پشت ناخن ده و چک سه، کف پائی چلویک



\* اینجا مکتب خانه است و دارند یک کودک

مکتب خانه دو طرف چوب فلک را نگاه میداشتند مکتبدار شروع به زدن ضربه های چوب بر کف پای دانش آموز خاطی میکرد و تنبیهات دیگری نظیر حبس در سیاهچال، یک پائی ایستادن زیر آفتاب، کلاه کاغذی بر سر گذاشتن، شن زیر لاله‌ی گوش گذاشتن، زدن پس گردنی و ... هم اعمال میشد و به همین جهت اشعاری نیز بر زبان دانش آموزان جاری بود که نمونه هائی از آنها نیز ثبت و ضبط شده و یکی از آنها چنین است :

وقت مکتب کف دستی ، کف پائی و فلک  
سهم بچه توسری ، چوب انار ، فحش و کتک

باز یگوش را بحکم مکتبدار چوب و فلک می کنند.

#### نخستین مدرسه جدید

اولین مدرسه ای که به سبک اروپائی در تهران تاسیس گردید مدرسه‌ی دارالفنون بود که در سال ۱۲۶۸ هجری قمری ( ۱۸۵۱ میلادی ) گشایش یافت .

این مدرسه که در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه به همت صدر اعظم لایق میرزا تقی خان امیرکبیر و بمنظور وارد کردن علوم و فنون اروپائی به ایران دائر شد قسمتی از ارک سلطنتی بود که ساختمان آن در سال ۱۲۶۶ آغاز و در سال

را به مخارج آن تخصیص داد و سالی یکی دوبار نیز شخصا آن را مورد بازدید قرار می داد و سر جلسات امتحان حاضر می شد و کسانی را که از عهده‌ی امتحانات برمی آمدند به حضور می پذیرفت و مورد تشویق و تقدیر قرار می داد و جوایزی برای آنان تعیین می کرد . شاگردان هر رشته دارای لباس متحدالشکل بودند و ناهار را در مدرسه و به هزینه‌ی دولت صرف می کردند و در چند سال اول کمک هزینه‌ی نیز به آنان پرداخت می شد و علاوه بر معلمینی که از اتریش دعوت شده بودند ، عده‌ی ازمستخدمین خارجی سفارتخانه‌ها و نیز تعدادی از فضلا و دانشمندان ایرانی در آنجا تدریس می کردند تا اینکه به سبب دخالت و اعتراض وزیر مختار انگلستان ، دولت ناچار گردید معلمینی از سایر کشورها نیز استخدام کند . هم چنین در این مدرسه گروهی از ایرانیان تحصیل کرده‌ی کشورهای خارجی به عنوان مترجم کادر آموزشی اشتغال به کار داشتند .

تدریجاً بر تعداد رشته‌هایی که در دارالفنون تدریس میگردید افزوده شد تا اینکه سرانجام شعبه‌های طب و جراحی از آن جدا شد و به صورت مدرسه‌ی مستقلی بانام " مدرسه‌ی عالی طب " به ادامه‌ی کار پرداخت و قسمت‌های نظامی نیز از آن منفک گردید و با تجدید سازمانی که در آن به عمل آمد از حالت دانشگاه بودن خارج و شکل مدرسه‌ی متوسطه را به خود گرفت .

این مدرسه که در واقع آن را می توان اولین دانشگاه ایران نیز محسوب داشت دوازده دوره‌ی دانشگاهی را پشت سر گذاشت و مجموعاً یک هزار و یکصد دانشجو از آن فارغ التحصیل شدند که بسیاری از آنان به مقام‌های بالای سیاسی نیز رسیدند .

۱۲۶۷ تقریباً " به اتمام رسید . طرح این بنا را میرزا رضای مهندس باشی ریخت و معمار آن محمد تقی خان معمار باشی ( رئیس اداره‌ی بنائی دیوان عالی ) بود . ضمناً " جان داوود ، مترجم اول دولت برای استخدام معلم به دربار امپراطور اتریش اعزام گردید و با هیئتی مرکب از هفت نفر معلم برای رشته‌های پیاده نظام ، توپخانه ، مهندسی ، سواره نظام ، طب و جراحی معدن شناسی و داروسازی ( و درست چند روزی بعد از عزل امیر کبیر از مقام صدارت ) به تهران بازگشت و روز یکشنبه پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ هجری قمری یکصد تن از فرزندان شاه و شاهزادگان ، امرا ، اعیان و رجال که برای تحصیل در این مدرسه انتخاب شده بودند به همراهی میرزا محمد علی خان ( وزیر خارجه ) نخست به حضور ناصرالدین شاه معرفی شدند و بعد از آن به مدرسه رفتند و در همان روز مدرسه افتتاح شد و فعالیت‌های آموزشی خود را آغاز نمود .

نخستین رئیس مدرسه‌ی دارالفنون عزیزخان سردار کل بود و پس از فوت او محمدخان امیر تومان ماء مور اداره‌ی مدرسه شد و در سال ۱۲۷۴ هجری قمری ریاست مدرسه رسماً " به اعتضاد - السلطنه واگذار گردید .

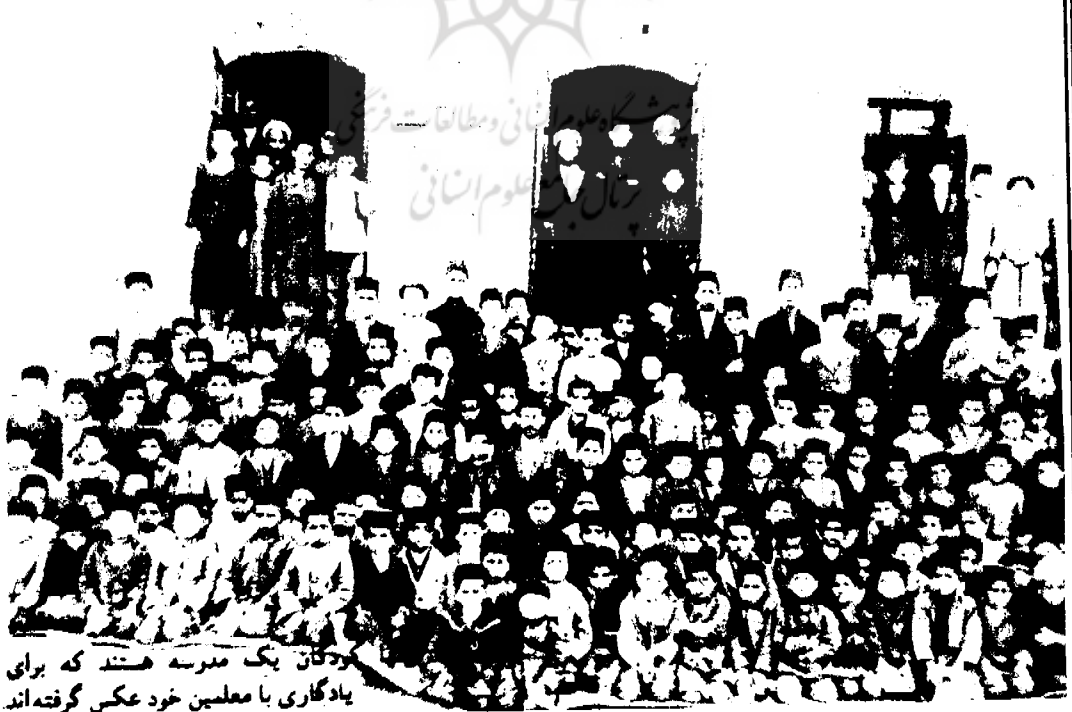
مدرسه‌ی دارالفنون در ابتدا جزو تشکیلات دربار بود و رئیس آن زیر نظر مستقیم شاه انجام وظیفه می کرد و همواره یکی از شاهزادگان یا رجال عالیرتبه بر آن نظارت داشت . معلمین بانظر شاه منصوب می شدند و برای ورود محصلان جدید به مدرسه ، اجازه‌ی شاه ضروری بود . ناصرالدین شاه یکچند توجه خاصی به دارالفنون داشت و مالیات ملائیر و تویسرکان

## تحصیل کردهای خارج

تحصیل به خارج از کشور فرستاد و چهار سال بعد، پنج نفر دیگر را به خارجه اعزام داشت. در سال ۱۲۶۰ هجری قمری به موجب دستخط محمد شاه قاجار پنج نفر محصل به پاریس رفتند و مدتی بعد گروه دیگری به فرانسه اعزام شدند که در بین آنان ۴۲ نفر از فارغ التحصیلان دارالفنون نیز دیده می شدند. به تدریج بعضی از اتباع کشور نیز به هزینه خود برای تحصیل به خارج از کشور رفتند و به این ترتیب راه تحصیل در اروپا و به ویژه فرانسه به روی طبقه دانشپژوه باز شد.

در ۱۷ جمادی الاولی ۱۳۲۹ قانونی راجع به اعزام سی دانشجو به اروپا به تصویب مجلس رسید که مقرر می داشت پانزده نفر برای معلمی هشت نفر برای علوم نظامی، دو نفر برای مهندسی راه و ساختمان و پنج نفر برای مدرسه حرف و صنایع و شیمی و فلاحت (کشاورزی)

از آنجا که اشاره کردیم تعدادی از دانش آموختگان کشورهای خارج به کار در دارالفنون اشتغال داشتند ممکن است این توهم برای گروهی از خوانندگان پیش آید که قبل از ایجاد مدرسه در ایران، اعزام محصل به خارج چگونه امکان پذیر بوده است. به همین جهت جادارد در این زمینه توضیح داده شود که: فکر اعزام محصل به خارجه برای فراگرفتن علوم و فنون جدید در اوایل قرن نوزدهم میلادی و در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار و امپراتوری ناپلئون شکل گرفت و بر اثر شکست های ایران از روسیه ابعاد گسترده بی پیدا کرد. در سال ۱۲۲۶ عباس میرزا (نایب السلطنه) چهار نفر را برای



دانشجویان یک مدرسه هستند که برای یادگیری با معلمین خود عکس گرفته اند

دارالفنون و مقابل حوض آن صف کشیده بودند و شاهزاده علیقلی میرزای اعتضادالسلطنه (که در آن زمان وزارت علوم را به عهده داشت) مشغول گفتگو با آنان بود کلمه‌ی حوض را به لهجه‌ی فرانسوی و "اوز" تلفظ کرد. اعتضاد - السلطنه از این مسئله شدیداً ناراحت شد و همانجا دستور داد پای صحافی‌اش را به چوب فلک بستند و آنقدر او را زدند تا در زیر ضربات چوب حوض را به طور صحیح تلفظ کرد و به اصطلاح معروف مثل آدم حرف زد!

می‌توانند به اروپا اعزام شوند. قانون دیگری که در اول خرداد ماه ۱۳۰۷ به تصویب مجلس رسید دولت را مکلف کرد که همه ساله عده‌ای محصل برای تحصیل در رشته‌هایی که دولت تعیین می‌کند با کنکور انتخاب و با هزینه‌ی دولت به خارج از کشور اعزام شوند و به موجب قوانین ششم تیر ۱۳۰۸ و دهم اردیبهشت ۱۳۱۱ به دولت اجازه داده شد تا ۲۵ درصد محصلین از بین کسانی که در خارج از کشور مشغول درس خواندن هستند انتخاب شوند.

#### بازتاب تحصیل در فرنگ



با بازگشت محصلین اعزامی به خارج، فرهنگ حرامزاده‌ای که باب طبع جامعه‌ی آن روز ایران نبود وارد کشور شد و فرنگ رفته‌ها موجد شیوع فرهنگی شدند که تا حدود زیادی نظم مستقر در جامعه را خدشه دار ساخت و در این رابطه داستان‌های زیادی ثبت گوشه و کنار کتاب‌هاست که معروف‌ترین آنها داستان چوب خوردن صحاف باشی است.

صحافی‌اشی یکی از فارغ التحصیلان مدرسه‌ی دارالفنون بود که در سال ۱۳۲۵ هجری قمری به دستور محمدشاه قاجار به فرنگ اعزام گردید و چون در فن صحافی کتاب مهارتی کسب کرده بود پس از بازگشت به ایران و عرضه هنر خود، به این صفت موصوف شد. این جوان پس از مراجعت به ایران در گفتار خود مرتباً "واژه‌های فرانسوی به کار می‌برد و فارسی را به لهجه‌ی فرانسوی ادا می‌کرد. روزی که وی به اتفاق سایر دانشجویان از فرنگ برگشته در حیاط مدرسه‌ی

#### سایر مدارس جدید

در سالهای سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، با وجودی که مدرسه‌ی دارالفنون به عنوان نخستین دانشگاه ایران افتتاح شد و بعدها به صورت دبیرستان درآمد، اما اقدامات آموزشی در همین حد باقی ماند و دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدائی کماکان در مکتب خانه‌ها تحصیل

دروس مدارس ابتدائی جدید عبارت بود از :  
قرآن ، شرعیات ، فارسی ( که به آن فوائدالادب  
می گفتند ) دیکته ، حساب ، نصاب ( که مقدمه  
زبان عربی بود ) و هندسه . در کلاس های  
متوسطه همین دروس به اضافی فیزیک و شیمی ،  
جبر ، مثلثات ، طب ، زبان ( فرانسه ) و  
ریاضیات تدریس می شد . ساعات اول هر روز  
مختص درس قرآن بود که بعد از دعای  
صبحگاهی و ورود به کلاس انجام می گرفت و بعد  
از آن نوبت به تدریس سایر دروس می رسید که  
باز هم بنا به تاءخر و تقدم ، عربی مقدم بر  
دروس دیگر بود .

می کردند . تا اینکه از ابتدای سلطنت مظفر -  
الدین شاه ، به علت آشنا شدن بیشتر مردم با  
محیط فرنگستان و رواج افکار جمعی از متمولین  
که ضمناً خود را جزو طبقه ی منورالفکر نیز  
می دانستند به تاءسیس مدارس ابتدائی و متوسطه  
مبادرت کردند و در کار ایجاد مدارس جدید به  
سبک اروپائی پیشقدم شدند . از جمله ارفع -  
الدوله ( سفیر ایران در یکی از کشورهای  
خارجی ) با سرمایه شخصی اقدام به ایجاد  
دبستانی با نام خود نمود که در آن عدهائی  
محصل به طور شبانه روزی و رایگان آموزش  
می دیدند و حتی لباس و هزینه ی خوراک آنان  
نیز از سوی بانی مدرسه تاءمین می شد . میرزا  
حسن رشدیة نیز با سرمایه ی شخصی یک باب  
مدرسه به نام خود در تهران تاءسیس کرد و به  
دنبال ایجاد اینگونه مدارس که بنیانگذاران آنها  
بعضاً از کمک های دولتی نیز برخوردار بودند ،  
دولت هم یک باب مدرسه ی فلاحت ( کشاورزی )  
دایر نمود و وزارت خارجه نیز برای تربیت  
ماءمورین سیاسی خود ، با کمک مشیرالدوله و  
مؤتمن الملک مدرسه ی مخصوصی ایجاد نمود تا  
کسانی که قرار بود به ماءموریت های سیاسی  
خارج از کشور اعزام شوند در آن تعلیمات لازم  
را ببینند .

ناصر نجمی متذکر شده است : در مدرسی که  
در آن روزگارا تاءسیس شد به علت بارهائی از  
عقب افتادگی ها و نبودن معلمین آموخته و  
شرایط خاص اجتماعی و مقتضیات دیگر ، از  
حیث برنامه ی دروس ، معلمین و کتاب خیلی  
ناقص و نامتناسب می نمودند و طرز تدریس و  
کتاب آنها بسیار قدیمی و کهنه بود .



بقیه از صفحه

من برای غنی تر کردن بحث و ارائه آن  
بصورت علمی سعی خواهم داشت نظرات موافق  
و مخالف را در نظر گیرم و کورکورانه و جاهلانه  
در این رابطه اظهار نظر نکنم . مطالعه در  
فهرست منابع به شما نشان خواهد داد که در  
مطالعه نظرات گوناگون تا چه حد کوشا بوده ام .  
البته این نکته را باید یادآور شوم که این  
تحقیق و بررسی از یک مربی و فردی نسبتاً  
آگاه به مسائل تربیتی است نتیجتاً آنچه را که  
جنبه پزشکی و درمانی دارد از او نمی توان  
منوقع بود . در این زمینه باید به اهلش مراجعه  
کرد . امیدم این است که این مقالات راهگشای  
خوبی برای پدران و مادران ، معلمان و مربیان و  
کلا " دوستداران خیر و صلاح انسانها باشد و  
بتواند گرهی از مشکل شان را در زمینه لغزشهای  
جنسی بگشاید . توفیق از خدا و او بهترین مدد  
کار است .